

بررسی سیر تاریخی راهکارهای مقابله با اطاله دادرسی

با محوریت انقلاب مشروطه

سید حسام الدین رفیعی طباطبایی، دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

عباس پهلوان زاده (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مرضیه افضلی مهر، استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

از میان شاخه های مختلف علوم انسانی در جوامع گوناگون، هیچ علمی را نمی توان یافت که به میزانی چشم گیر متأثر از دانش اصیل تاریخ و فراز و نشیب های ایام نباشد؛ و گذران زمان از دیرباز تا کنون آن را تحت تأثیر تاریخ قرار نداده باشد. در این میان علم حقوق نیز از این قاعده مستثنی نبوده و این دانش و هر آنچه متعلق به آن است نیز در گذر تاریخ دستخوش تحول شده است. تاریخ حقوقی تشکیل دهنده بخش عمده ای از تاریخ تمدن جوامع می باشد؛ و آگاه شدن از سیر تحولات هر تمدنی نیز مستلزم درکی صحیح از مسائل حقوقی مختلف در ادوار گذشته است. برای آنکه ببینیم موضوع اطاله دادرسی یا طولانی شدن فرآیند رسیدگی به دعاوی مردمان در محاکم، از گذشته تا به حال چگونه مطرح بوده و برای مقابله با آن به چه راهکارهایی متوسل شده اند، در مقاله حاضر که پژوهشی میان تاریخ تمدن و حقوق است، به بررسی این موضوع می پردازیم. لذا از آنجا که انقلاب تاریخی مشروطه منشأ تغییر و تحولات مهمی در نظام حقوقی و قضایی ایران شد، موضوع راهکارهای مقابله با اطاله دادرسی را با محوریت زمانی انقلاب مشروطه، در تاریخ ایران مورد بررسی قرار می دهیم.

واژگان کلیدی: دادرسی، مشروطه، اطاله دادرسی، انقلاب مشروطه، تاریخ.

مقدمه

اطاله دادرسی را می‌توان یکی از مشکلات و معضلات تاریخی دستگاه‌های قضایی به شمار آورد، که با وجود این که در گذر زمان و رأس کار آمدن اشخاص و شخصیت‌های مختلف، راهکارهای گوناگونی نیز برای کاهش آن اتخاذ شده است، اما همچنان مردم و حتی بدنه این دستگاه وسیع و مهم، درگیر این معضل تاریخی هستند.

منظور از «اطاله دادرسی» طولانی شدن نامعقول و غیر متعارف جریان رسیدگی به اختلافات، منازعات و مطالبات میان مردمان در مراجع قضایی است؛^۱ و آیین دادرسی به معنای اعم آن عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد درباره تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها است؛ که در اصطلاح علم فقه که خود نیز دانشی با قدمت است و از علوم برجسته تاریخ اسلام می‌باشد به آن علم القضاء گویند. دادرسی به معنای اخص، مجموعه عملیات و اقداماتی است که به قصد پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود. مانند مجموعه مقرراتی که برای گرفتن یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می‌شود؛ یا به تعبیری دیگر دادرسی به مفهوم اخص رسیدگی مرجع صالح قضایی به دعوا یا امر مطروحه یعنی ادعاها، ادله، استدلال‌ها و خواسته‌ها، با لحاظ پاسخ‌ها، در جهت صدور رأی قاطع است.^۲ و در طول تاریخ نیز جوامع انسانی هیچگاه از حل و فصل اختلافات و دستیابی به مطالبات بی‌نیاز نبوده‌اند؛ چنان که در بسیاری از مقاطع تاریخی، عدم رسیدگی به دادخواهی مردمان و بی‌توجهی به این مهم زمینه‌ساز حوادث و تحولات بزرگی می‌گشته است.

اطاله دادرسی یکی از مشکلات اساسی محاکم رسیدگی کننده به دادخواهی مردمان است که اگر سیر تاریخی این امر مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد از زمان پایه‌ریزی دستگاه عدلیه در ایران سابقه دارد.^۳ اگر پیشینه این مهم مورد مطالعه دقیق قرار گیرد مشاهده می‌شود که از زمان پایه‌ریزی دستگاه عدلیه در ایران، این مسأله علاوه بر مردمان که ارباب رجوع بوده‌اند، مدیران،

^۱ ایمان دارابی، سید حسام‌الدین رفیعی طباطبایی و سوده حامد توسلی، رفع اطاله دادرسی و توسعه قضایی (تهران: آذرفر، ۱۳۹۷)، ۲۴ و محمد هادی دارابی، علل اطاله دادرسی و روش‌های جایگزین حل اختلاف (تهران: دفتر گسترش علم معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷)، ۱۹.

^۲ دارابی، رفیعی طباطبایی و حامد توسلی، پیشین، ۱۷.

^۳ محمدرضا دلاوری، اطاله دادرسی (تهران: سمت، ۱۳۸۹)، ۲۵.

حاکمان و سایر متولیان محاکم را نیز سخت آزار داده و در حال حاضر نیز همچنان آزار می‌دهد. بنابراین اطلاع دادرسی از دغدغه‌های اولیه تمامی متولیان وقت قضایی در طول تاریخ بوده و کوشش وافر داشته‌اند که این معضل کهنه و لاینحل تشکیلات قضایی و محاکم را که مانند لکه‌ای بر بدنه محاکم، خودنمایی می‌کرده و می‌کند به هر نحو ممکن مهار و درمان کنند. در این راستا حقوقدانان و صاحبان تجارب علم قضا نیز در این وادی به لحاظ احساس مسئولیت و همدردی، چه از دید تئوری، چه از نظر تجربی مطالبی را مطرح کرده‌اند که اگر تئوری‌ها و تجربیات با یکدیگر تلفیق می‌شدند و مورد بهره‌برداری قانونگذاران هر مقطع تاریخی قرار می‌گرفتند، شاید اکنون با معضلی به نام اطلاع دادرسی تا این میزان رو به‌رو نبودیم. لذا بدیهی است که پرداختن به چنین معضلی، به عنوان امری مؤثر بر احقاق حقوق مردمان، که کاهش و رفع آن نیز از لوازم دستیابی به عدالت است، همواره می‌بایست با مطالعه جوانب تاریخی آن همراه باشد. که از میان وقایع تاریخی کشورمان با لحاظ تحولات صورت گرفته در دوران انقلاب مشروطه، می‌توان آن را محور بررسی‌ها قرار داد و سایر وقایع قبل و بعد را نیز پیرامون آن مطالعه نمود.

حال این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که با وجود نقش آشکار سرعت عمل، در رسیدگی به اختلافات و منازعات و مطالبات مردمان، و تأثیر آن بر بروز نارضایتی‌ها و وقایع مختلف در کلیه مقاطع زمانی، در طول تاریخ چه تدابیر و راهکارهایی به جهت رفع معضل اطلاع دادرسی اندیشیده و مورد عمل واقع می‌گشته است؟

طولانی شدن زمان رسیدگی به دادخواهی مردمان و تأخیر در صدور حکم، احقاق حق را به تأخیر می‌اندازد و تأخیر در احقاق حق چیزی کمتر از بی‌عدالتی نیست؛ مضافاً این که طولانی شدن فرآیند رسیدگی تأثیر منفی در صدور احکام دارد؛ به گونه‌ای که به تجربه ثابت شده است که طولانی شدن بی‌مورد محاکمات و افزایش میزان اختلافات مردمان موجب سردرگمی قضات و حکام می‌شود و آراء صادره در چنین حالت‌هایی عموماً با اشکالات مختلف حقوقی رو به‌رو هستند و در بسیاری از موارد در خور نقض می‌باشند. از این رو می‌توان گفت جدای از این که سرعت در رسیدگی و صدور رأی، فی‌نفسه امر مطلوبی است، در صدور آراء متقن و منطبق با واقع و بر اساس اصول و موازین حقوقی هم تأثیر بسیاری دارد.^۴ با این اوصاف شناخت دقیق‌تر و بهتر

^۴ سید محمدرضا یعقوبی آل، «اطلاع دادرسی در محاکم حقوقی» (پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، (۱۳۸۶)، ۳۲.

این موضوع، به طور حتم به همراه آشنایی با سیر تاریخی آن است که می تواند دستگاه عظیم قضایی را در راه دستیابی به عدالت یاری رساند.

۱- پیش از انقلاب مشروطه

در عصر هخامنشیان برای آن که امر محاکمه و رسیدگی به دادخواهی مردمان طولانی نشود، برای هر نوع محاکمه زمان معینی تعیین و همواره به طرفین پیشنهاد سازش از طریق حکمیت که مشابه نهاد داوری امروزی است می گردید.

هرودت، مورخ یونانی، می گوید: «شاهان هخامنشی مایل بوده اند که بیشتر دعاوی مردم به طریق داوری خاتمه پیدا کند. چنانکه کوروش مقرر داشته بود که اگر کسی محاکمه یا نزاعی با دیگری داشته باشد با توافق داوری تعیین کنند تا به دعوی آنان رسیدگی کند». همچنین به علت زیادی سوابق قضایی و طول و تفصیل قوانین، گروه خاصی به نام «سخنگویان قانون» پیدا شدند که مردم با آنها مشورت می کردند و برای پیشبرد دعاوی از آنها کمک می جستند.^۵

در عصر ساسانیان، مقررات دادرسی به نحوی بود که از کندی جریان محاکمات جلوگیری می کرد و قاضی مکلف بود از گفتگوهایی که ارتباط به دعوی نداشت جلوگیری کند. قطعاتی از کتاب فقهی «ماتیکان هزار دادستان» در دست است و بارتلمه بخشی از آن را ترجمه کرده است که مؤلف آن کتاب درباره آیین دادرسی در عهد ساسانی می گوید: «قانون برای احضار شهود مدتی معین کرده بود و مدت دعوی به وسیله نظام نامه ثابتی محدود بوده است. مقرراتی نیز برای جلوگیری از مردمان دغل و ستیزه باز که دعاوی را به درازا می کشانیدند و کارها را آشفته می کردند وضع شده بود».^۶

در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی قاعده مرور زمان اقامه دعاوی به منظور اصلاحات قضایی به اجرا گذاشته شد. ملکشاه سلجوقی با ارشاد وزیر خود، خواجه نظام الملک طوسی، دستورالعملی برای قضات صادر کرد تا از قبول دعاوی که مه امتناع ورزند و به طور کلی هرگونه سند و دعوی که سی سال از آن می گذشت، غیرقابل استماع بود.

^۵ دارابی، رفیعی طباطبایی و حامد توسلی، پیشین، ۳۵.

^۶ همان و مصطفی دهقان، «تحقیق و ترجمه ای جامع از کتاب ماتیکان هزار دادستان»، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۳۳ (۱۳۸۱)، ۵۷-۵۵.

در زمان مغول، مجازات طرح دعوای واهی که موجب اشتغال وقت دادگاه می‌شد مرگ بود. غازان خان، یکی از سلاطین ایلخانی که به اسلام گروید و دین مبین اسلام را آیین رسمی کشور قرار داد، نسبت به اصلاحاتی اقدام نمود. از جمله این که غازان خان همانند ملک‌شاه سلجوقی، نوعی مرور زمان سی ساله مقرر کرد و دستور داد به دعوای که بیش از سی سال از آنها بگذرد توجه نشود. همچنین فرمان داد که قباله‌ها و حجت‌های کهنه را که سی سال از عمر آنها بگذرد و مورد استفاده واقع شود به اصحاب دعوا پس ندهند، بلکه آنها را در طاس عدالت بشویند. (دارابی و همکاران، پیشین: ۳۶) این قبیل اقدامات قضایی در عصر ایلخانان مغول توسط محاکمی که از آنها با نام یارغو یاد می‌گردد صورت می‌گرفته است؛ که به قضات این محاکم قضایی نیز یارغوچیان گفته می‌شده است.^۷

مشیرالدوله، وزیر عهد ناصرالدین شاه، عوامل اطاله دادرسی عدلیه زمان خود را، کثرت پرونده‌های مردم، اشتغال وقت دادگاه و همچنین عیاشی قضات در صرف ناهار و تشریفات غیرضروری می‌دانست و همواره بر اصلاح آن تأکید می‌نمود.^۸

در زمان ناصرالدین شاه، در قاعده چهارم دستورالعمل رئیس و امنای مملکت آذربایجان مقرر شده بود: «چون بعضی مردم به دفع الوقت و القای بعضی شبهات در حین مرافعه پاره‌ای اشکالات به میان آورده، می‌خواهند به امتداد ایام مرافعه طرف مقابل را معطل و متضرر نموده، بدین وسایل او را به انجام مقصود خود مجبور نماید، امنای دیوانخانه مدتی مناسب برای مرافعه متداعیین معین کرده و التزام از آنها بگیرند که در ظرف آن مدت مرافعه خود را تمام نمایند و هرگاه در این مدت مرافعه تمام و حقیقت یکی از طرفین به ثبوت رسید نعم‌المطلوب، از آن قرار معمول بدارند و اگر مرافعه طول کشید و معلوم شد که یکی از آنها تعلل و اهمال نموده است، خساراتی که در این مدت به طرف مقابل آن شخص وارد آمده مسترد و عاید داشته، موعدی که به مناسبت آن کار یک ثلث کمتر از مدت اول باشد معین کرده و در ثانی آنها را مجبور به مرافعه نماید. در این صورت هم اگر با اهمال و مسامحه گذرانید و معلوم شد بجز دفع الوقت و اطناب عمل منظوری ندارند، دیوانخانه آن وقت مطالبه حقوق مدعی را از او خواهد نمود، مگر برائت ذمه خود را حکم صریح از شرع جایزالحکم صادر نماید.» همچنین در قاعده هشتم دستورالعمل مذکور نیز چنین

^۷ جعفر نوری، علی اکبر کجیاف و فریدون الهیاری، «محکمه یارغو، پژوهشی در باب محکمه قضایی ایلخانان مغول»، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س) ۲۴ (۱۳۹۳)، ۱۵۰-۱۴۸ و عبدالله و صاف شیرازی، تاریخ تحریر و صاف به قلم عبدالمحمد آیتی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ۲۶۸.

^۸ مرتضی راوندی، سیر قانون و دادگستری در ایران (تهران: چشمه، ۱۳۶۸)، ۱۲۱.

آمده بود: «اگر کسی به موجب سند یا محض حرف ادعایی نماید و بعد از رسیدگی معلوم شود که سندش باطل و حرفش بی حساب است خسارت و ضرری که در این ضمن به مدعی علیه رسیده از مدعی گرفته عاید او دارند».^۹

همان گونه که می بینیم، در این دستورالعمل محدودیت زمانی برای طرح دعوی و پرداخت خسارت از طرف اشخاص مقصر در اطلاع دادرسی و اشخاصی که دعاوی واهی طرح می کنند، به عنوان راههای مقابله با اطلاع دادرسی شناخته شده است.

ناصرالدین شاه، بعد از برگشت از اروپا به ظاهر با هدف تشریح در رسیدگی به تظلمات مردم، صندوق عدالت را تأسیس کرد.^{۱۰} این صندوق که به صورت چوبی و چهارگوش و دارای اندازه ای متوسط بود، در مکانی خاص از پایتخت و برخی ولایات دیگر نصب گردیده و کیف عرایضی داخل آن قرار گرفت تا مردمان عرایض خود را سریع تر و با صرفه جویی در زمان به اطلاع حاکم برسانند. اگرچه اغلب تسریع دادرسی با مخالفت حاکمان ولایات مواجه می گردید.^{۱۱} در بخشی از متن اعلان دولتی تأسیس صندوق عدالت که ضمیمه روزنامه ایران در محرم ۱۲۹۱ می باشد، چنین آمده است: «و بعد از ملاحظه عرایض، البته به مناسبت هر عرض و مطلبی حکم آن صادر خواهد شد و عرض عارضین در کمال بی غرضی و تعطیلی انجام خواهد یافت. به علت این قاعده میمونه مستحده البته بعد از این عارضین ولایات بعیده و قریبه به هیچ وجه فوراً به حضور همایون به واسطه عرایض خواهند رساند. یقین است که بعد از این قرار مستحسنه، در کل ممالک محروسه ایران به پیرزنی ظلم نشود و اگر هم بشود فوراً به عرض حضور همایون رسیده، رفع جور و ظلم کلیتاً بشود».^{۱۲}

در ادامه آمده است: «تکلیف اشخاصی هم که عریضه خواهند انداخت این است که اولاً، عرایض بیهوده و لغو عرض نکنند. ثانیاً به اغراض شخصی که نسبت به هم دارند، چنین دروغ و خلاف نمایند، که یقیناً در پیشگاه عدالت دستگاه ملوکانه معلوم خواهد شد و نویسنده واجب القتل

^۹ دارابی، رفیعی طباطبایی و حامد توسلی، پیشین.

^{۱۰} محمد تقی دامغانی، صد سال پیش از این: مقدمه ای بر تاریخ حقوق جدید ایران (تهران: شب گیر، ۱۳۵۷)، ۹۹-۹۸ و محمد حسن بن علی اعتماد السلطنه، مرات البلدان ناصری، ج ۳ (بی جا: چاپ سنگی، ۱۲۹۵ ق)، ۳۳۱.

^{۱۱} ایرج کیا، مروری بر تاریخ پست ایران (تهران: نگین، ۱۳۷۶)، ۱۱۱ و روزنامه وقایع اتفاقیه، یکم ربیع الاول ۱۲۹۱ ق، ۱۳.

^{۱۲} غلامرضا ورهرام، نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار (تهران: معین، ۱۳۸۵)، ۳۴۴-۳۴۳ و راوندی، پیشین، ۱۳۲.

خواهد بود. ثالثاً عرایض و ادعاهای کهنه را از پانزده سال الی بیست سال قبل ننویسند که محل اعتنا نخواهد بود». وی با اصلاح وضع صندوق عدالت، در جهت رسیدگی هر چه سریع‌تر به تظلمات مردم در فرمانی اعلام داشت: «آنچه از عرایض راجع به ادارات و وزارتخانه‌های درباری یا اشخاص است که در دارالخلافه حاضرند، عضدالملک با منتهی درجه همت و مراقبت، نخواهد گذاشت دقیقه‌ای تأخیر شده و در ترتیب امر خللی راه یابد».^{۱۳}

اگر چه تأسیس صندوق عدالت با ظاهرسازی گامی در جهت تسریع رسیدگی دعاوی مردم بود اما این تأسیس هم مانند اغلب تأسیسات جدید دوره ناصری پس از مدت کوتاهی در برخورد با قواعد و رسوم کهن و خودکامگی درباریان و حکام به تدریج متروک ماند و سپس کلاً به دست فراموشی سپرده شد.^{۱۴}

۲- از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۳۳۲

نابسامانی‌ها در امور قضایی که اطلاع دادرسی یکی از آنها بود تا زمان مشروطه ادامه داشت. تشکیلات قضایی صدر مشروطه بر اساس قانون «اصول تشکیلات عدلیه» مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ هجری قمری شکل گرفت. تصویب این قانون را باید آغاز حیات واقعی عدلیه نوین تلقی کرد. در ماده ۳ این قانون آمده است: «برای سهولت جریان و تسویه امور و عدم تراکم دعاوی در محاکم ابتدایی، محاکم صلح در جاهایی که قانون معین می‌کند برقرار می‌شوند». چنان که ملاحظه می‌شود در تصویب این قانون با هدف جلوگیری از تراکم دعاوی در محاکم ابتدایی گام‌هایی برای مقابله با اطلاع دادرسی برداشته شده که البته به دلایلی در عمل آن چنان موفقیت‌آمیز نبوده است. یکی از این دلایل عدم تناسب قوانین عدلیه که از قوانین خارجی اقتباس شده بود، با مقتضیات جامعه بود. اجرای قوانین طولانی و پیچیده درباره مردمی که به قول ملک‌الشعرا بهار از هزار نفر تنها دو نفر باسواد بودند و به وسیله قضاتی که خودشان این قوانین را نمی‌فهمیدند و از هر صد حکم صادره تنها پنج حکم مطابق واقع بود، باعث طولانی شدن جریان محاکمات و کندی رسیدگی در محاکم عدلیه شد؛ تا جایی که شکایات مردم نسبت به عدلیه عمدتاً متوجه طولانی بودن محاکمات بود و حتی صمصام‌السلطنه نماینده دوره چهارم

^{۱۳} ورهرام، پیشین و زهرا طلایی، «بررسی و معرفی نسخه خطی سواد کتابچه شکایت‌ها و عرض حال سال ۱۲۹۲-۱۲۹۱ قمری»، فصلنامه علمی گنجینه اسناد ۵۶ (۱۳۸۳)، ۴۰.

^{۱۴} علی گل محمدی، «صندوق عدالت، تداوم سنت یا زمینه تجدید»، فصلنامه علمی گنجینه اسناد ۱۱۱ (۱۳۹۷)، ۱۰۳-۹۹ و راوندی، پیشین، ۱۳۹.

تهران در مجلس شورای ملی از طولانی بودن محاکمات و اجرای قانون اصول محاکمات حقوقی نالان بود. و به قول عبدالحسین تیمورتاش دولتمرد دوره های قاجار و پهلوی، وقتی کاری به عدلیه ارجاع می گشت، برای خاتمه آن عمر عادی کفایت نمی کند. این وضعیت سبب شد که اصلاح قوانین و ارائه طرحهای ساده تر در جهت مقابله با اطاله دادرسی در دستور کار دولت ها قرار گیرد. برای مثال، در برنامه دولت قوام السلطنه آمده بود: «از مسائل مهم دیگر که توجه آقایان را جلب می کنم اصلاح امور قضایی است که در این مدت تجربه و عمل ثابت نموده است قوانینی که فعلاً در جریان است کامل نیست. امیدوارم آقایان نمایندگان تصریح فرمایند که در قوانین قضایی تجدید نظری شود. طرح ساده تری اتخاذ شود که به سرعت جریان محاکمات افزوده، اعتماد عامه را نسبت به مراجع قضایی تکمیل نماید».^{۱۵}

کندی جریان امور قضایی پس از مشروطه همچنان یکی از گرفتاری های عدلیه بود؛ تا جایی که وقتی در سال ۱۳۰۵ پس از یک سال از روی کار آمدن رضاخان، علی اکبرخان داور به عنوان وزیر عدلیه کابینه مستوفی الممالک قبل از آن که کابینه رأی اعتماد نمایندگان را جلب کند، با وجود آن که در قانون چنین اختیاری برای وزیر عدلیه پیش بینی نشده بود، عدلیه را منحل کرد؛ و در آن زمان بیست و یک هزار از دعاوی مردم در عدلیه مانده بود و یا این که اجرا نشده بود.

میرزا حسن مستوفی الممالک نخست وزیر پنج دوره ای قاجار که سابقه یک دوره نخست وزیری رضا شاه پهلوی را نیز در کارنامه داشت، اصلاح عدلیه در دو بعد سرعت در رسیدگی و جلوگیری از وقوع دعاوی با اجرای قوانین ثبتي را جزء برنامه های خود اعلام کرد. همچنین علی اکبر داور از وزرای عدلیه پهلوی، در نخستین روز وزارت خود راجع به اصول تشکیلات عدلیه اظهار می دارد: «اصول تشکیلات و محاکم عدلیه بی تناسب با اوضاع زندگی و عادات و طرز عمل و فکر مردم ماست. تشکیلات ما خیلی مفصل و اصول محاکمات خیلی باعث کندی جریان امور می شود. متأسفانه این تشکیلات و اصول محاکمات از قوانین فرانسه خیلی باعث کندی جریان امور می شود. متأسفانه این تشکیلات و اصول محاکمات از قوانین فرانسه که به اقرار علمای خود آنجا برای فرانسه هم اسباب دردسر و اساساً خیلی کهنه است گرفته شده است. تجربه نشان داده

^{۱۵} محمد زرنگ، تحول نظام قضایی ایران، ج ۱ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)، ۷۵ و یوسف متولی حقیقی، «تاملی در رفتارهای سیاسی و فرجام کار عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار رضا شاه»، مجله علمی پژوهشنامه تاریخ ۱۷ (۱۳۸۸)، ۱۸۴-۱۸۰.

که ما حوصله این همه معطلی و پیچ و خم در امور را نداریم. بنابراین باید کاری کرد که محاکمات ساده‌تر و سریع‌تر پیش برود».^{۱۶}

وی در جای دیگر اظهار داشت: «به اندازه‌ای که امکان داشته سعی کرده‌ام تشکیلات ساده‌تر و صحیح‌تر باشد. سرعت کار در عدلیه آتیه را خواهید دید». همچنین وی به هنگام بررسی لایحه اعطای اختیارات در مجلس، تأمین عدالت و سرعت در قطع و فصل دعاوی را ویژگی دادگستری نوین دانست. پس از آن که مجلس اختیاراتی به داور اعطا کرد، وی کمیسیون برای اصلاح و بازبینی قانون اصول محاکمات ۱۳۲۹ هجری قمری، به منظور سرعت بخشیدن به جریان رسیدگی تشکیل داد. حاصل کار این کمیسیون، قانون اصول محاکمات معروف به قانون آزمایش بود. در تیرماه ۱۳۰۸ لایحه راجع به تسریع در جریان محاکمات تقدیم مجلس شد. طبق ماده اول این قانون، برای ختم هر دعوی در مرحله ابتدایی ۳ ماه، در مرحله استینافی ۴ ماه و در مرحله تمیزی ۵ ماه از تاریخ تقدیم عرض حال مهلت تعیین شد. چنانچه ظرف مهلت مقرر رسیدگی خاتمه نمی‌یافت، محکمه مربوطه ملزم بود جلسه فوق‌العاده تشکیل دهد. همچنین به موجب ماده ۲، وزارت عدلیه مجاز شد در ابتدای هر سال برای خاتمه دادن به دعاوی سال قبل که در محاکم بدایت (ابتدایی)، استیناف و تمیز معوق مانده و از تاریخ تقدیم عرض حال بیش از ۵ ماه گذشته بود، شعب فوق‌العاده ابتدایی، استیناف و تمیز به طور موقت تشکیل دهد.^{۱۷}

در قانون مواعد و خسارات و تسریع دعاوی مصوب ۱۳۰۹، قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ و اصلاحی در سال ۱۳۱۲ و قوانین متعدد دیگری که گاه در قالب ماده واحده به تصویب می‌رسیدند، با تعیین مهلت‌ها و فرصت‌های معین اعتراض به احکام و قرارهای صادره، و همچنین با ایجاد تغییرات در تشکیلات و سازمان محاکم، سرعت بخشیدن به جریان محاکمات مدنظر بوده است.

قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۰۹، ایراد مرور زمان را به عنوان یکی از ایرادات قابل طرح از طرف مدعی علیه دانست. بعد از مدتی چون و کلا با استناد به ایراد مرور زمان عملاً کار رسیدگی را کند می‌کردند (چون طبق قانون قرار رد یا قبول مرور زمان در هر صورت قابل استیناف و تمیز

^{۱۶} ایمان دارابی، «بررسی عوامل مؤثر بر رفع اطاله دادرسی و توسعه قضایی، مطالعه موردی بر دادگستری شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶» (پایان نامه کارشناسی ارشد، کرج: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، (۱۳۹۷)، ۴۰.

^{۱۷} زرنگ، پیشین، ۸۳.

بود)، داور طی بخشنامه ای مجازات ایراد واهی و بی ربط مرور زمان را ممنوع الوکاله شدن و کلا اعلام کرد.^{۱۸}

همچنین مجموعه ای از قوانین و مقررات پیرامون حکمیت، به تصویب رسید که هدف اصلی آن کاهش حجم کار دادگستری و سرعت بخشیدن به حل و فصل دعاوی بود. نخستین قانون در مورد حکمیت در اسفند ۱۳۰۶ به تصویب رسید. داور درباره لایحه حکمیت اظهار داشت: «لایحه حکمیت دو موضوع اساسی را خواسته است در نظر بگیرد. یکی تسریع محاکمه که به سرعت بگذرد و یکی دیگر این که تمام جهات انصاف در نظر گرفته شود». قانون حکمیت به موجب قانون اصلاح قانون حکمیت مصوب فروردین ۱۳۰۸ اصلاح شد؛ و نیز یک مرتبه دیگر قانون حکمیت در سال ۱۳۱۳ اصلاح شد و سرانجام، در قانون آیین دادرسی مدنی موادی در موضوع ارجاع دعاوی به حکمیت پیش بینی گردید. علت توجه بیش از اندازه به تأسیس حقوقی حکمیت این بود که به وسیله آن از حجم دعاوی در محاکم کاسته شود و در نتیجه، در جریان محاکمات تسریع گردد.^{۱۹}

در امور کیفری هر چند به اندازه امور حقوقی مشکل کندی رسیدگی مطرح نبود با وجود این مقررات اصول محاکمات جزایی در جهت ایجاد سرعت در ختم شکایات و جریان امور کیفری، با تغییرات و اصلاحاتی مواجه گشت. برای مثال، در سال ۱۳۰۹ قانونی در ده ماده راجع به تسریع در محاکمات جنایی تقدیم مجلس شد و در خرداد همان سال تصویب شد. همچنین به منظور تسریع در رسیدگی و ختم پرونده ها لایحه قابل تمیز بودن قسمتی از محکومیت های جنحه در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید. و نیز در دوران وزارت دادگستری احمد متین دفتری در دوره پهلوی، لایحه اصول محاکمات حقوقی در ۷۲۳ ماده در ۲۵ مهر ۱۳۱۶ تقدیم مجلس شد. دکتر متین دفتری ویژگی های این قانون را چنین برشمرد: «۱- عبارات خیلی صاف و روشن تنظیم شده اند؛ ۲- سعی شده است که در این قانون وسایل تسریع و تسهیل احقاق حق فراهم شود و حتی عرض حال تلگرافی و فوری را پیش بینی کرده ایم». قانون اصول محاکمات حقوقی در سال ۱۳۱۸ مورد اصلاح قرار گرفت.

با روی کار آمدن دکتر مصدق و شروع اصلاحات در نظام قضایی، اصلاح قوانین، از جمله قانون آیین دادرسی مدنی، مورد توجه قرار گرفت و کمیسیون هایی برای اصلاح و تجدید نظر در قوانین

^{۱۸} دارابی، رفیعی طباطبایی و حامد توسلی، پیشین، ۴۱.

^{۱۹} همان، ۴۲ و زرنگ، پیشین، ۸۹.

تشکیل شد. کمیسیون آیین دادرسی مدنی متشکل از تعدادی قضات و وکلای دادگستری، لایحه اصلاحی را آماده کرد که پس از بررسی و تجدید نظر در حضور رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و دو نفر از رؤسای شعب دیوان عالی کشور به تصویب نهایی دکتر مصدق رسید. اصلاحات مزبور با هدف تسریع در محاکمات و حذف تشریفات زائد صورت گرفت.^{۲۰}

در سال ۱۳۱۲ احمد کسروی^{۲۱} به تأکید یکی از نزدیکان رضا شاه مبنی بر گلابه مندی شاه از وضعیت عدلیه و عملکرد داور،^{۲۲} اقدام به نگارش گفتاری در مورد معایب قانون عدلیه و پیشنهادهاتی در خصوص رفع این معایب کرد و پیش نویسی از قانون پیشنهادی خود را در هفتاد و هفت ماده ضمن نامه ای انتقادی از اوضاع عدلیه و قوانین وقت به شاه ارسال کرد؛ که اگرچه به دست شاه نرسید لکن در قالب نوشتاری مستقل منتشر و مورد استقبال واقع شد. وی قانون وقت را نسخه ای اروپایی و نامناسب به حال مردم ایران می دانست و مهم ترین عامل اطاله دادرسی را نقص قانون و تقلید از اروپا قلمداد می کرد. در بخشی از این نوشتار این چنین آمده است: «اعلیحضرت در مدت ده سال پادشاهی خود اصلاح عدلیه را همیشه منظور نظر فرموده، بودجه کافی برای آن منظور و از هیچگونه تقویت دریغ نفرموده آید. با این همه امروز حال آن اداره این است که اگر شخصی دعوی صد تومانی پیدا کند اولاً خود او راه به عدلیه ندارد و به هر کجا که رود جواب یأس خواهد شنید و مجبور است که وکیل بگیرد و اختیار کار خود را به او بسپارد. ثانیاً برای صد تومان حداقل یک سال باید آمد و شد بکند و خون دل بخورد. این حال یک دعوی ساده صد تومانی است. دعاوی بزرگ و مشکل سال های دراز در عدلیه سیر کرده و چه بسا که در نتیجه طول مدت، مدعی از پا افتاده جز محو و نابودی نتیجه از کار خود بر نمی دارد. غالب دعاوی امروز هفت یا هشت سال طول مدت می کشد. اگر اعلیحضرت

^{۲۰} همان، ۱۰۳ و دارایی، پیشین، ۴۲-۴۱.

^{۲۱} سید احمد حکم آبادی که بعدها نام خانوادگی کسروی را برگزید، تاریخ نگار، زبان شناس، پژوهشگر، حقوقدان و اندیشمند ایرانی بود. وی استاد ملی گرای رشته حقوق در دانشگاه تهران و وکیل دعاوی در تهران بود. او در حوزه های مختلفی چون تاریخ، زبان شناسی، ادبیات، علوم دینی، روزنامه نگاری، وکالت، قضاوت و سیاست فعالیت داشت.

^{۲۲} علی اکبر داور از رجال سیاسی اواخر قاجار و دوره رضا شاه بود که با بنیانگذاری دادگستری نوین ایران نامور شد و نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایران بازی کرد. او از عوامل مهم تحکیم سلطنت پهلوی و پیشبرد سیاست های رضا شاه بود، داور همچنین اولین رئیس کانون وکلای ایران بود. او وزیر و بنیانگذار دادگستری مدرن در ایران در زمان رضا شاه بود و در پست های وزیر مالیه در کابینه محمدعلی فروغی (۱۳۱۵-۱۳۱۲)، وزیر معارف (فرهنگ)، وزیر عدلیه (دادگستری) انجام وظیفه کرد. ایجاد نظام قضایی در کشور، تأسیس «اداره ثبت احوال»، تدوین «قانون ثبت اسناد»، «قانون ثبت املاک»، «قانون ازدواج و طلاق» و تأسیس «بیمه ایران» از مهم ترین دستاوردهای او بود.

خواسته باشند که شخصاً تحقیقی در باب طول مدت کارها در عدلیه بفرمایند چه بهتر که احصایه کارها را از ابتدای عرض حال تا ختام اقدامات اجرایی از عدلیه بخواهند. منشاء خرابی عدلیه و اطاله بیش از هر چیز قانون آن است. این قانون که در ابتدای مشروطه از روی قوانین عثمانی و فرانسه ترجمه شده قابل آن نیست که مملکتی بنیاد عدلیه خود را به روی آن بگذارد و تا این قانون هست هر چه اقدام در زمینه اصلاح عدلیه بشود بیهوده و هدر خواهد بود. در جایی که نتیجه یک تظلم هشت سال اتلاف عمر می شود، در جایی که یک پیرزن برای یک دعوی سی تومانی مجبور است یک سال بیشتر دوندگی نماید جای گفتگو نیست که چنین قانونی از روی عقل وضع نگردیده. اگر قناتی فرو رفته و محتاج آن باشد که فوری تعمیر خرابی آن را بنمایند و شریکی تن به آن ندهد و حاجت به تظلم بیفتد چنین دعوایی حداقل چهار سال طول خواهد کشید. در دادرسی و احقاق حق چنان که عدالت شرط است سرعت عمل نیز شرط است. دادرسی که پس از هشت سال دوندگی نتیجه بدهد آن خود ظلم دیگر است. این قانون اجازه داده که به دعوایی ده مرتبه بیشتر رسیدگی شود و ده حکم مختلف صادر گردد. از سوی دیگر هم تا قانون این است هیچ گونه اقدامی در زمینه رسیدگی ها مؤثر نیست. پیشنهاد شده که اگر رأی ملوکانه با اجرای آن موافق باشد نتایج قطعی ذیل به دست خواهد آمد: اولاً- محاکم بسیار ساده ای تشکیل خواهد یافت که هر کسی به آسانی بتواند تظلم نماید و دعوای ساده در یکی دو هفته خاتمه یافته، دعوای مهمه بیش از سه ماه مدت نخواهد کشید. ثانیاً- برای هر شهری عدلیه با تمام مراحل آن رسیده حاجت به سفر کردن از شهری به شهری یا به ارسال پرونده از اینجا به آنجا نخواهد بود. ثالثاً- با این همه توسعه عدلیه بودجه سالانه آن کمتر از میزان امروزی خواهد بود.^{۲۳}

معایب مهم قانون عدلیه از نظر کسروی عبارتند از: ۱- رسیدگی های بی پایان؛ که به ویژه آن را متأثر از رسیدگی های غیابی و تمیزی می داند. ۲- بیهوده کاری ها؛ نظیر ابلاغ مکتوب توسط مأمور ابلاغ، که این امر را زائد و صرف اعلام رأی توسط خود قاضی به طرفین را کافی می داند. همچنین زائد دانستن ابلاغ کتبی برگه اجرائیه با وجود ابلاغ های متعدد پیشین و اطلاع از نتیجه دعوی. ۳- گناه نشمردن اقدامات نادرست؛ نظیر امکان انکار مهر یا امضای خود یا امکان مطالبه مجدد طلب. ۴- نیامدن خود طرفین دعوی به محکمه؛ چرا که رجوع اصیل را دارای محاسنی در کشف حقیقت و رجوع وکیل را در برخی موارد دارای معایب می داند. ۵- نیامدن قضات به کشف حقیقت و تحقیق. ۶- فزونی قضات و کثرت مخارج؛ که این امر را نیز ناشی کندی رسیدگی ها و

^{۲۳} احمد کسروی، قانون دادگری، (تهران: نشر پیمان، ۱۳۲۴)، ۵-۱.

ناباشته شدن پرونده ها می داند.^{۲۴} از نظر وی کلیه معایب مذکور در وهله نخست منتهی به اطاله دادرسی و سلب اعتماد عمومی از دستگاه قضایی می شوند؛ لذا راهکار پیشنهادی خود را چنان که اشاره شد، اصلاح قانون آیین دادرسی و قوانین پر کاربرد، مطابق مقتضیات ملی و جامعه ایرانی و به دور از تقلید از اروپا می داند.

هدایت رویه قضایی از طریق تدوین و گردآوری مجموعه های حقوقی و قضایی توسط علماء علم حقوق و دست اندرکاران دستگاه قضاء در این دوره، نیز سهم قابل توجهی در تسریع محاکمات و کاهش اشتباهات قضات در صدور آراء داشته است. این در حالی است که عمده‌تاً چنین برداشت می شود که دستاوردهای مهم نظام حقوقی مربوط می شود به سال های پس از ۱۳۰۵، یعنی دوره وزارت علی اکبر داور. لکن از آثار موجود پیداست که پیش از مسئولیت داور و آغاز اصلاحات قضایی وی نیز تلاش های مهمی در جهت هدایت رویه قضایی و تسریع محاکمات صورت گرفته است. به عنوان نمونه بروجردی عبده از ۱۲۹۲ تا بهمن ۱۳۰۵ که عدلیه منحل شد، در حدود چهارده سال ۳۳۹۲ حکم حقوقی دیوان عالی تمیز را بررسی کرده و گزیده ای از آنها را در مجموعه ای گردآوری کرده است. وی در مجموعه آراء گردآوری شده خود همچنین از میان بیش از ۸۴۶۰ رأی، ۶۳۲ اصل قضایی استخراج کرده بود؛ که چنین اقدامی را می توان به نوعی مهم ترین شرح و تفسیر اصول محاکمات و جریان دهی به آن در راستای اجرای صحیح در محاکم و هدایت رویه قضایی دانست. حقوقدانانی نظیر وی با گردآوری چنین مجموعه هایی در حقیقت سعی بر گسترش منطق نهادهای نظام حقوقی جدید و کمک به استقرار و تثبیت جایگاه آنها داشته اند؛ که یکی از این نهادهای نظام حقوقی جدید دیوان تمیز بود و کارکردش آن بود که اگر محاکم تالی در فهم مقصود مقنن یا در تطبیق آن اشتباهی کرده باشند، این مسأله جبران شده، و در نتیجه مطابق تصمیمات دیوان تمیز، محاکم عموماً دارای رویه قضایی واحد شوند که این امر خود تسریع رسیدگی و بهبود کیفیت آن را می تواند به دنبال داشته باشد. همچنین آشکار است که حقوقدانانی نظیر عبده با توجه به ریاست وی بر محکمه عالی انتظامی قضات در حدود ربع قرن، به این درک رسیده بودند که در نظام حقوقی نوپای آن دوره، که بسیاری از قوانین برای نخستین بار اجرایی می شدند، قضات محاکم ذهنیت قبلی و تعلیمی در خصوص تفسیر یا اجرای این قبیل قوانین نداشتند که چنین نقصی بی شک منشأ تخلفات بسیار و اطاله امر می شده است.

^{۲۴} همان، ۱۷-۵.

لذا تدوین و انتشار مجموعه‌هایی اینچنین راهکاری مفید در جهت تسریع امر و هدایت رویه قضایی بوده است.^{۲۵}

ارسال خلعتبری^{۲۶} از حقوقدانان وقت، بخشی از علت اطاله دادرسی را مربوط به ارباب رجوع می‌داند. چرا که گاه مراجعه کنندگان به جهت دستیابی به منافع شخصی خود و تضييع حقوق دیگران اقداماتی می‌کنند که منجر به اطاله دادرسی می‌شود؛ نظیر مواردی که یکی از طرفین دعوی متوسل به راه‌هایی می‌شود که قانون آیین دادرسی مدنی برای اطاله محاکمه پیش پای اصحاب دعوی گذاشته است. و بخش دیگر علت اطاله دادرسی مربوط به تشریفات زائدی است که به حکم قانون، قضات مکلف به رعایت آن هستند؛ و اگر هم به ایشان انتقادی شود علت احتیاط خود را بازخواست محکمه عالی انتظامی قضات بیان می‌دارند. وی در مقاله‌ای در سال ۱۳۳۱ چنین اظهار می‌دارد: «آن چیزی که بیش از هر کس و هر چیز مؤثر در اطاله دادرسی است همین قانون آیین دادرسی است، که برای فرار در مقابل قانون و تضييع حق مردم و ایجاد زحمت برای شاکی بهترین وسیله است و با کمال تأسف عده‌ای از وکلاء دادگستری نیز از این نقص برای پیشبرد منظور خود استفاده می‌کنند. یکی در مواقعی که خود را ناچار می‌بینند و یکی در مواقعی که برای کمک به موکل خود بخواهند از این ستون به آن ستون کنند تا شاید خستگی شاکی از جریان رسیدگی باعث شود به مذاکرات دوستانه و طریق مسالمت آمیز حاضر شود. که در هر صورت موجب عدم رضایت عمومی از دادگستری است». وی همچنین راهکارهای پیشنهادی خود را به صورت تمثیلی معرفی می‌کند تا با ذکر این مثال‌ها نشان دهد که با تغییر قانون آیین دادرسی مدنی محاکمات تسریع و اطاله تا حدودی رفع می‌شود: «۱- بهتر است تمام محاکمات جریان اختصاری داشته باشند و مخاطبان بتوانند به وسیله لایحه مطالب خود را به اطلاع محکمه برسانند. ۲- به محاکم اجازه تحقیقات مورد نظر از اشخاص داده شود تا زودتر در جریان امور قرار گیرند. ۳- باید پس از تشکیل جلسه، محاکمه آنقدر ادامه داشته باشد تا رسیدگی پایان یابد و موجبات تجدید جلسه حذف شود؛ که این روش در برخی ممالک مجری است و باعث می‌شود طرفین فرصت وقت‌کشی و اطاله نداشته باشند. ۴- مراجعه به دیوان عالی کشور در دعاوی بیشتری محدود گردد و این محدودیت را از نظر مبلغ برداشته و به نوع دعوی متوجه

^{۲۵} محمد بروجردی عبده، اصول محاکمات حقوقی، درس آقا میرزا محمد بروجردی عبده، به کوشش: سید ناصر سلطانی، ج ۱ (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷)، ۱۲-۵.

^{۲۶} ارسال خلعتبری وکیل دادگستری، نویسنده و سیاستمدار دوره پهلوی، نماینده سه دوره مجلس شورای ملی، از بنیانگذاران قانون وکلای دادگستری و نیز مدت کوتاهی شهردار تهران و همچنین استاندار گیلان بود.

ساخت. ۵- در دعاوی مربوط به طبقات متوسط و بی بضاعت تشریفات برداشته شود و حتی به شکایات شفاهی هم رسیدگی شود و ...»^{۲۷}

۳- پس از کودتای ۱۳۳۲

آمارهای مقایسه‌ای سالانه و حتی ماهانه، بیانگر افزایش تعداد پرونده‌های مطروحه در دادگستری در طول دوره بیست و پنج ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشند. در طول این دوره، تلاش‌ها و اقدامات را در بسیاری از قوانین، تصمیمات و اظهار نظرها می‌توان ملاحظه کرد. برنامه دولت‌ها در طول این دوره به این نکته تأکید و تصریح داشته است که به دنبال سرعت بخشیدن به دادرسی‌ها بوده‌اند؛ مثلاً در برنامه دولت زاهدی عبارت «تأمین وسایل لازم برای تسریع در رسیدگی» و در برنامه دولت شریف امامی عبارت «تقویت قوه قضاییه به منظور تسریع در رسیدگی» دیده می‌شوند. کنفرانس عالی قضایی که در بهمن ۱۳۳۷ و خرداد ۱۳۵۱ تشکیل شد موضوع اطلاع دادرسی و کندی جریان محاکمات را در دستور کار خود قرار داد. محمدرضا پهلوی نیز به هنگام معرفی کابینه حسنعلی منصور در مورد دادگستری سه نکته را متذکر شد: «دادگستری از سیاست به دور باشد؛ رسیدگی سریع باشد و با فساد مبارزه شود».

عدم رضایت مردم از کندی رسیدگی و اطلاع دادرسی بدان حد بود که به نحو اغراق آمیزی تسریع در محاکمات توصیه می‌شد؛ چنان که زاهدی در مقام نخست وزیری در دیدار با قضات اظهار داشت: «حکم نسبه صحیح و حتی غلط اما سریع و فوری به مراتب بهتر از حکمی است که پس از دو یا سه سال نسبت به امری از طرف دادگاه‌ها صادر گردد؛ زیرا برای آن حکم غلط مرجعی هست». این عبارت را هجده سال بعد (سال ۱۳۵۱) صادق احمدی وزیر دادگستری وقت در کنفرانس عالی قضایی، این گونه بیان نمود: «سیلی نقد بهتر از حلوای نسبه است؛ و محکومیت به موقع بهتر از حاکمیت بی‌موقع است».^{۲۸}

موضوع سرعت بخشیدن به جریان دادرسی امری بود که مقامات دادگستری نسبت به آن افتخار می‌کردند. برای مثال، هادی هدایتی از وزرای دوره پهلوی در مقام مقایسه دوران وزارت خود با دوره قبل از آن، طی گزارشی به مجلس اظهار داشت: «تا حدود بیست ماه پیش مشکلات

^{۲۷} ارسالن خلعتبری، «لزوم تغییر قانون آیین دادرسی مدنی»، نشریه کانون وکلا ۲۳ (۱۳۳۱)، ۲۱-۱۷.

^{۲۸} راوندی، پیشین، ۱۴۰.

دستگاه قضایی را گفتم. در رأس این مشکلات بطیء جریان رسیدگی بود. رسیدگی در تمام محاکم طولانی بود. نوبت رسیدگی به شش ماه و هفت ماه و حتی بعضی اوقات به یک سال، مخصوصاً در عالی‌ترین مرجع قضایی مملکت یعنی دیوان کشور که وقت رسیدگی به دو یا سه سال رسیده بود. اکنون پس از ۲۰ ماه با کمال افتخار اعلام می‌کنم که در دیوان کشور پرونده معوقه نداریم. در سایر مراجع قضایی نیز نوبت رسیدگی بسیار پایین آمده و حتی در بعضی محاکم به بیست و سی روز رسیده است».

همچنین هویدا، نخست وزیر وقت حکومت پهلوی، در دیدار با اعضای کانون وکلای دادگستری مرکز با اذعان به معضل اطاله دادرسی خطاب به وکلای حاضر اظهار داشت: «دادگستری کند است. بنده و وزیر دادگستری هر دو معتقدیم که کار ما کند است؛ ولی انتظار من از شما این است که شما کندترش نکنید».^{۲۹}

یک سال بعد، صادق احمدی وزیر دادگستری کابینه هویدا در جلسه تحلیف کارآموزان قضایی با ارائه آمار مقایسه‌ای که حاکی از پیشرفت امور و سرعت جریان کار محاکم بود، اظهار داشت: «در دیوان کشور ما پرونده‌ای که رسیدگی به آن سه یا چهار سال طول می‌کشید اکنون شش ماه طول می‌کشد».^{۳۰}

به عقیده برخی از حقوقدانان و سیاستمداران وقت، آنچه که موجب ایجاد اشتباه می‌شود در حقیقت مفهوم دادگستری است. ارسال خلعتبری در مقاله‌ای در سال ۱۳۴۶ اظهار می‌دارد: «اگر بخواهیم از جنبه زمانی اظهار نظر کنیم باید بگوییم که مفهوم دادگستری خوب در زمان ما این نیست که کارها سریعاً خاتمه یابد، همین اشتباه سبب شده در سال‌های زیادی که وقت صرف اصلاح قوانین جهت سرعت گرفتن رسیدگی شده به اصل موضوع توجه لازم به تناسب اهمیت نشود. اصل موضوع این است که دادگستری باید هماهنگ با زمان باشد و برای آن که هماهنگ با زمان باشد باید با خواسته‌ها و پیشرفت‌های زمان مطابق بوده و از شرایطی بهره‌مند باشد». خواسته‌ها و شرایط مورد نظر عبارتند از رعایت حقوق فردی، تساوی دولت و افراد، حفظ استقلال قوه قضائیه و عدم تأثیر پذیری از قوه مجریه، حفظ اصول قانونی، ارزش علمی متناسب با پیشرفت زمان، اصلاح تدریجی قوانین هماهنگ با قوانین متمدنانه دنیا، نظارت بر قوانین و پیشگیری از اعمال نفوذ. به عقیده وی آنچه از لحاظ دادگستری اهمیت دارد نخست کیفیت و

^{۲۹} دارابی، رفیعی طباطبایی و حامد توسلی، پیشین، ۴۵.

^{۳۰} همان.

ارزش آن از جهاتی است که منظور از تأسیس دادگستری و مفهوم مورد انتظار دادگستری است و موضوع سرعت کار در رسیدگی بعد از تأمین این منظور است. چرا که در صورت تأمین شرایط و خواسته های مذکور به طور هماهنگ با زمان، خود به خود معضل سرعت رسیدگی نیز رفع می شود. لذا راهکار مقابله با اطاله دادرسی را از دیدگاه حقوقدانانی نظیر خلعتبری می توان در رعایت حقوق فردی، تساوی دولت و افراد، حفظ استقلال قوه قضائیه و عدم تأثیر پذیری از قوه مجریه، حفظ اصول قانونی، ارزش علمی متناسب با پیشرفت زمان، اصلاح تدریجی قوانین هماهنگ با قوانین مترقی دنیا، نظارت بر قوانین و پیشگیری از اعمال نفوذ جستجو کرد.^{۳۱}

به طور کلی بعد از کودتای ۱۳۳۲ برای مقابله با اطاله دادرسی سه دسته تدابیر و اقدامات صورت گرفت: توسعه تشکیلات قضایی، اصلاحات راجع به آیین و تشریفات دادرسی و تدابیر اداری؛ که در ذیل به طور خلاصه به بررسی این تدابیر و اقدامات می پردازیم.

۳-۱- توسعه تشکیلات قضایی

توسعه کمی دادگاه ها و افزایش شعب و ایجاد حوزه های قضایی جدید از اقدامات مؤثر در جهت تسریع رسیدگی بود. توسعه دادگاه های اختصاصی وابسته به دادگستری همچون دادگاه خانواده، دادگاه اطفال بزهدار و دادگاه رسیدگی به جرایم و تخلفات رانندگی ضمن آن که از لحاظ رعایت تخصص و دقت بسیار مفید بود، در تسریع رسیدگی نیز تأثیر بسزایی داشت.

همچنین ایجاد چند هزار خانه انصاف حتی در دور افتاده ترین روستاها و ایجاد شورای داور در تمام شهرها با توجه به سادگی آیین دادرسی در این مراجع، دسترسی مردم به دادگستری را تسهیل کرد و به جریان محاکمات سرعت بخشید؛ به عنوان مثال، تنها در سال ۱۳۵۰ تعداد ۴۴۶۴۴۱ پرونده در خانه های انصاف و شوراهای داور رسیدگی و مختومه شد.^{۳۲}

۳-۲- اصلاحات راجع به آیین و تشریفات دادرسی

حذف تشریفات زائد و ساده کردن فرآیند دادرسی موضوع بسیاری از قانونگذاری ها، سخنرانی ها و مباحث قضایی این دوره بود. هرگاه سخن از اصلاح دادگستری به میان آمده است؛ به دنبال آن پیچیدگی قوانین و ضرورت اصلاح آنها مطرح شده است. به طور مثال علی امینی، وزیر

^{۳۱} ارسلان خلعتبری، «دادگستری هماهنگ با زمان»، نشریه کانون وکلا ۱۰۶ (۱۳۴۶)، ۶۵-۵۸.

^{۳۲} دارابی، رفیعی طباطبایی و حامد توسلی، پیشین، ۴۶.

دادگستری وقت حکومت پهلوی، با حضور در مجلس اظهار داشت: «دو اشکال متوجه دادگستری است؛ یکی راجع به تشکیلات و دیگری راجع به قوانین که بسیار پیچیده است. باید قوانین را ساده کرد. پیچ و خم هایی را که وکلا به درستی از آن استفاده می کنند باید از بین برد تا تسریعی در کار شود».^{۳۳}

با اصلاحات سال های ۱۳۳۴، ۱۳۳۷، ۱۳۳۹، ۱۳۴۷ و ۱۳۴۹ بسیاری از مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در جهت سرعت بخشیدن به محاکمات مورد تجدید نظر واقع شدند. پذیرش سیستم مبادله لوایح و کاهش موارد مشمول دادرسی اختصاری در دعاوی مدنی، توسعه صلاحیت دادگاههای بخش مستقل، تقلیل موارد قابل تجدید نظر از احکام دادگاه بخش، ایجاد تغییرات در موارد و مواعد پژوهش و فرجام در جهت کاستن از آنها، اصلاحات راجع به ابلاغ دادخواست، اعتراض به احکام غیابی، تجدید جلسات، داوری، موارد ارجاع به کارشناسان، رسیدگی به اصالت سند و ... از جمله اصلاحاتی بودند که با هدف تسریع دادرسی در قانون آیین دادرسی صورت گرفتند. استثنا کردن دعاوی خانوادگی از تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی طبق قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز اقدامی دیگر برای جلوگیری از اطاله دادرسی بود.^{۳۴}

۳-۳- تدابیر اداری

علاوه بر اقدامات قانونی مذکور، بعضی تدابیر اداری به منظور سرعت بخشیدن به جریان محاکمات مورد توجه قرار گرفتند. افزایش ساعات کار محاکم مانند دو سره کردن کار دیوان عالی کشور، فعالیت واحدهای قضایی در ساعات غیراداری، کنترل آمار فعالیت های محاکم و تشویق و تنبیه آنها، استفاده از شیوه های مدرن تنظیم پرونده ها و استفاده از وسایل الکترونیکی، از جمله تدابیری بود که با هدف مقابله با اطاله دادرسی انجام شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه ویژه ای به مقابله با اطاله دادرسی خصوصاً در امور کیفری، شده است. یکی از اهداف قانونگذار از حذف نهاد دادرسی و تشکیل دادگاه های عام، تسریع در دادرسی عنوان شد. در دفاع از لایحه تشکیل دادگاه های عام، وزیر دادگستری وقت در مجلس اظهار داشت: «باید مردم را از این سرگردانی زائد و طولانی شدن دادرسی ها و مسائل، واقعاً نجات بدهید؛ که این مشکل عمده ما در عدلیه است». در مقابل، عده ای از نمایندگان مجلس لایحه

^{۳۳} دارابی، پیشین، ۴۵.

^{۳۴} قانون حمایت خانواده ایران، مصوب ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی.

مزبور را موجب اطاله دادرسی بیشتر می دانستند. و حتی یکی از نمایندگان مجلس در مخالفت با لایحه مزبور اظهار نموده است: «لابد همانطوری که در مقدمه آن لایحه اصلی هم آمده، نظرشان تسریع در رسیدگی است. من می خواهم عرض کنم که این اصولاً موجب تسریع نمی شود، بلکه موجب اطاله بیشتر می شود».^{۳۵}

نهاد دادسرا که در سال ۱۳۷۳ از سیستم قضایی کشور حذف شد، با هدف تسریع در رسیدگی در سال ۱۳۸۱ احیا شد. در برنامه توسعه قضایی، کوتاه کردن فرآیند دادرسی از اولویت های دستگاه قضایی قرار گرفت. در این راستا اقدامات بسیاری انجام شده که ایجاد شوراهای حل اختلاف و تشکیل کمیته های رفع اطاله دادرسی در استان ها، از جمله آنها است.^{۳۶}

همچنین از جمله راهکارهای دستگاه قضایی در دوره حاضر توسط جمهوری اسلامی، در جهت کاهش اطاله دادرسی می توان به اصلاح فرآیندهای رسیدگی، طرح دعاوی با مشاوره یا مداخله وکیل، تخصصی شدن محاکم، اطلاع رسانی به شیوه های جدید، ثبت دعاوی و انجام ابلاغ ها با استفاده از وسایل ارتباطی جدید، صدور دستورالعمل های اجرایی، تشکیل کمیته های اجرایی، بازشماری پرونده ها و آمارگیری دقیق، کنترل حضور و غیاب کارکنان اداری و قضایی، اصلاح شیوه تعیین وقت برای مردم، تعیین زمان استاندارد رسیدگی در قالب دستورالعمل ها و اصلاح ایجاد نهادهای تکمیلی نظیر نهاد داوری، شوراهای حل اختلاف، مراکز کارشناسی قوه قضائیه و تشکیل دفاتر خدمات قضایی برای تسریع و تسهیل مراجعات و پیگیری های مردمی، اشاره نمود.^{۳۷}

^{۳۵} دارابی، رفیعی طباطبایی و حامد توسلی، پیشین، ۴۷.

^{۳۶} راوندی، پیشین، ۱۶۸ و نک طیب افشارنیا و حجت مبین، اطاله دادرسی و توسعه قضایی (تهران: خرسندی، ۱۳۸۸).

^{۳۷} سید حسام الدین رفیعی طباطبایی، «بررسی اقدامات قوه قضائیه در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی و تأثیر آن بر کاهش اطاله دادرسی»، فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی ۴ (۱۳۹۹)، ۴۵-۴۱.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب مطروحه در صفحات گذشته این مقاله می توان به خوبی دریافت که مسأله طولانی شدن فرآیند رسیدگی به دعاوی و مطالبات و منازعات مردمان در محاکم کشورمان، که از آن با عنوان اطاله دادرسی یاد می گردد، امری با سابقه تاریخی طولانی است؛ که با وجود تغییرات بسیار و نیز ارائه تجربیات و تئوری های فراوان از ناحیه متولیان امر و اشخاص صاحب نظر در حوزه های تاریخی، حقوقی و قضایی، که در مقاله حاضر با محوریت زمانی انقلاب مشروطه بررسی و مطالعه گردیدند، همچنان این مسأله تأثیرگذار بر تسریع احقاق حقوق مردمان ریشه کن نگردیده است. و بدیهی است که طولانی شدن دستیابی ملت بر حقوق و مطالبات خود نیز یکی از نمونه های آشکار دور شدن از مسیر عدالت است که همواره در طول تاریخ، دستیابی به حقیقت عدالت از مهم ترین و برجسته ترین اهداف مردمان و حکومت های مختلف بوده است؛ و تلاش در پی تحقق این آرمان حوادث مختلفی را در گذر ایام رقم زده است؛ و هرگونه اقدام و تلاشی با هدف تسریع در احقاق حقوق و مطالبات مردمان یک مرز و بوم گامی است مؤثر در راستای عدالتخواهی. بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که گام اول در جهت عدالتخواهی در دستگاه قضایی کشور چیزی جز کوتاه نمودن مدت زمان رسیدگی به مطالبات و اختلافات نمی باشد؛ و در جهت دستیابی به این مهم، مطالعه سیر تاریخی، تجربیات گذشته و اقدامات مؤثر نسل های گذشته می تواند منشأ الهام و ایده ها و راهکارهای مؤثر گردد.

منابع

۱. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، مرات البلدان ناصری، ج ۳، بی جا: چاپ سنگی، ۱۲۹۵ ق.
۲. افشار نیا، طیب و حجت مبین، اطاله دادرسی و توسعه قضایی، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
۳. بروجردی عبده، محمد، اصول محاکمات حقوقی، دروس آقا میرزا محمد بروجردی عبده، به کوشش: سید ناصر سلطانی، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
۴. خلعتبری، ارسلان، «دادگستری هماهنگ با زمان»، نشریه کانون وکلا ۱۰۶ (۱۳۴۶): ۶۵-۵۸.
۵. خلعتبری، ارسلان، «لزوم تغییر قانون آیین دادرسی مدنی»، نشریه کانون وکلا ۲۳ (۱۳۳۱): ۲۱-۱۷.
۶. دارابی، ایمان، «بررسی عوامل مؤثر بر رفع اطاله دادرسی و توسعه قضایی، مطالعه موردی بر دادگستری شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، کرج: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ۱۳۹۷.
۷. دارابی، ایمان، سید حسام الدین رفیعی طباطبایی و سوده حامد توسلی، رفع اطاله دادرسی و توسعه قضایی، تهران: نشر آذرفر، ۱۳۹۷.
۸. دارابی، محمد هادی، علل اطاله دادرسی و روش های جایگزین حل اختلاف، تهران: نشر دفتر گسترش علم معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷.
۹. دامغانی، محمد تقی، صد سال پیش از این: مقدمه ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، تهران: نشر شب گیر، ۱۳۵۷.
۱۰. دلاوری، محمد رضا، اطاله دادرسی، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۹.
۱۱. دهقان، مصطفی، «تحقیق و ترجمه ای جامع از کتاب ماتیکان هزار دادستان»، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۳۳ (۱۳۸۱): ۵۵-۵۸.

۱۲. راوندی، مرتضی، [سیر قانون و دادگستری در ایران](#)، تهران: نشر چشمه، ۱۳۶۸.
۱۳. رفیعی طباطبایی، سید حسام الدین، «بررسی اقدامات قوه قضائیه در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی و تأثیر آن بر کاهش اطاله دادرسی»، [فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی](#) ۴ (۱۳۹۹): ۳۰-۴۷.
۱۴. [روزنامه وقایع اتفاقیه](#)، یکم ربیع الاول ۱۲۹۱ ق.
۱۵. زرننگ، محمد، [تحول نظام قضایی ایران](#)، ج ۱، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۶. طلایی، زهرا، «بررسی و معرفی نسخه خطی سواد کتابچه شکایت ها و عرض حال سال ۱۲۹۱-۱۲۹۲ قمری»، [فصلنامه علمی گنجینه اسناد](#) ۵۶ (۱۳۸۳): ۳۹-۴۳.
۱۷. [قانون حمایت خانواده ایران](#)، مصوب مجلس شورای ملی، ۱۳۵۳.
۱۸. [قانون اصلاح قانون حکمیت ایران](#)، مصوب مجلس شورای ملی، ۱۳۰۸ و ۱۳۱۳.
۱۹. [قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه ایران](#)، مصوب مجلس شورای ملی، ۱۳۲۹ ق.
۲۰. [قانون اصول محاکمات حقوقی ایران](#)، مصوب مجلس شورای ملی، ۱۳۲۹ ق.
۲۱. [قانون تسریع محاکمات ایران و اصلاحیه آن](#)، مصوب مجلس شورای ملی، ۱۳۰۹ و ۱۳۱۲.
۲۲. [قانون حکمیت ایران](#)، مصوب مجلس شورای ملی، ۱۳۰۶.
۲۳. کسروی، احمد، [قانون دادگری](#)، تهران: نشر پیمان، ۱۳۲۴.
۲۴. کیا، ایرج، [مروری بر تاریخ پست ایران](#)، تهران: انتشارات نگین، ۱۳۷۶.
۲۵. گل محمدی، علی، «[صندوق عدالت، تداوم سنت یا زمینه تجدید](#)»، [فصلنامه علمی گنجینه اسناد](#) ۱۱۱ (۱۳۹۷): ۹۴-۱۱۷.

۲۶. متولی حقیقی، یوسف، «تأملی در رفتارهای سیاسی و فرجام کار عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار رضا شاه»، *مجله علمی پژوهشنامه تاریخ* ۱۷ (۱۳۸۸): ۱۶۳-۱۸۴.
۲۷. نوری، جعفر، علی اکبر کجباف و فریدون الهیاری، «محکمه یارغو، پژوهشی در باب محکمه قضایی ایلخانان مغول»، *فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)* ۲۴ (۱۳۹۳): ۱۳۹-۱۵۸.
۲۸. ورهرام، غلامرضا، *نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: نشر معین، ۱۳۸۵.
۲۹. وصاف شیرازی، عبدالله، *تاریخ تحریر وصاف به قلم عبدالمحمد آیتی*، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۳۰. یعقوبی آل، سید محمد رضا، «اطاله دادرسی در محاکم حقوقی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶.